

به نام خدا

# تأثیرپذیری استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران از بحران های جدید یک دهه اخیر خاور میانه

مؤلف :

مهراڻ لطیفی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)

سرشناسه: لطیفی، مهران، ۱۳۶۰  
عنوان و نام پدیدآور: تاثیرپذیری استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران از بحران های جدید  
یک دهه اخیر خاور میانه/ مولف مهران لطیفی.  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۴۵-۱  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
موضوع: جمهوری اسلامی ایران - تاثیرپذیری استراتژی ژئوپلیتیکی - خاورمیانه - بحران ها  
رده بندی کنگره: Q۳۵۵۵  
رده بندی دیویی: ۰۱۴/۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۲۷۸۴۵  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: تاثیرپذیری استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران از بحران های جدید  
یک دهه اخیر خاور میانه  
مولف: مهران لطیفی  
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴  
چاپ: زیرجد  
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۴۵-۱  
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

مقدمه:	۵
فصل اول: مفاهیم	۹
تعریف استراتژی	۹
انواع استراتژی سیاسی	۱۱
سیر تکوینی اندیشه استراتژی	۱۵
ژئواستراتژی	۱۹
تعریف ژئوپولیتیک	۲۰
تاریخچه و اهمیت ژئوپولیتیک	۲۲
موقعیت ژئوپولیتیک ایران	۲۳
جهانی شدن و تحول مفهومی ژئوپولیتیک	۲۴
گفتمان بحران	۲۵
مفهوم شناسی بحران	۲۷
ویژگی‌های عمومی بحران‌ها	۲۹
بحران اقتصادی	۳۲
مفهوم خاورمیانه	۳۳
گستره خاورمیانه	۳۸

- ۴۰..... ژئوپولیتیک خاورمیانه
- ۴۲..... ژئوپولیتیک نوین ایران در عرصه منطقه ای
- ۵۱..... محدوده جغرافیائی خاورمیانه
- ۵۳..... فصل دوم: بحران خاورمیانه**
- ۵۳..... بحران‌های یک دهه اخیر خاور میانه
- ۶۳..... ایران و حفظ موقعیت در منطقه
- ۶۳..... ظهور تعادل قدرت در منطقه میان ترکیه، عربستان سعودی، و ایران
- ۶۴..... چالش‌های ثبات و امنیت در خاورمیانه
- ۶۸..... فرصت و زمینه‌های تعامل سازنده در خاورمیانه
- ۷۱..... موقعیت ژئوپولیتیک ایران
- ۷۴..... اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران
- ۸۳..... تهدیدات و فرصت‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران
- ۸۳..... بررسی تهدیدات بین‌المللی علیه ایران
- ۹۲..... نتیجه‌گیری
- ۹۵..... منابع و مآخذ

## مقدمه:

ژئوپلیتیک، در دیدگاه اندیشمندان علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی، همواره از مفاهیم ناپایدار و با تحول پذیری زیاد به شمار می‌رفته است که به واسطه آن موقعیت ژئوپلیتیک متحول کشورها در سطوح مختلف نظام بین‌المللی، جهانی و منطقه‌ای مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرد.

امروزه، از نظر موقعیت ژئوپلیتیک جهانی، اگر نظام جهانی یک پیکر واحد در نظر گرفته شود، جمهوری اسلامی ایران، قلب این پیکره‌ی جهانی محسوب می‌شود. در مقابل، امریکا طی نیم قرن تلاش نموده است تا به مغز جهان تبدیل شود. همچنین همزمان با وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با پدید آمدن نظام دوقطبی خداگرا- بشرگرا، موقعیت ژئوپارادایم ایران به عنوان مرکز جهان خداگرا، مقوم رویکرد انقلاب اسلامی در جهان اسلام، به ویژه در حوزه الهام بخشی برای رهایی از سلطه‌ی بیگانگان بوده است که نشانگر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در بین کشورهای منطقه به ویژه خاورمیانه می‌باشد.

باید خاطر نشان کرد که هر حوزه منطقه‌ای دارای قواعد رفتاری ویژه‌ای می‌باشد. بنابراین کشورهای منطقه‌ای، قدرتهای بزرگ و همچنین جمهوری اسلامی ایران نقش‌های منطقه‌ای منحصر به فردی را در هر سیستم تابع منطقه‌ای ایفا می‌کنند. (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۳۹) همچنین، محیط امنیتی هر جامعه‌ای، تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن است. بر این اساس، محیط امنیتی ایران به اقتضای طبیعت و هویت انقلابی-ایدئولوژیکی اش و از جهت تاریخی، فرهنگی و قومی به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی اش محیطی آسیب پذیر و حساس بوده است. (فاضلی نیا، ۱۳۸۵: ۲۱)

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه، به گونه ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است. زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه ای تشریح شده که آن راهارتلند ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه بیضی شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است. به طوریکه هرگونه تغییری در وضعیت ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه خاورمیانه را بر هم زده و در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد.

همچنین، گذشته از این موارد، ملت ایران نیز با سابقه ۲۵۰۰ ساله حضور در فلات ایران و دارا بودن ذهنیت تاریخی پر رنگ از حکومت- ملت بودن، همیشه در تکاپوی ارتقای منزلت و جایگاه خود در سلسله مراتب ساختار ژئوپلیتیک جهانی و منطقه ای بوده است. به طوریکه اولین تلاش‌های ایجاد ساختار دموکراتیک نظام سیاسی را در اوایل قرن بیستم (۱۹۰۶م.) در قالب انقلاب مشروطه و اولین انقلابهای اسلام خواهی را در قالب انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م.، خیلی جلوتر از دیگر ملتهای منطقه به ثمر رسانده است که نتیجه‌ی آن بروز تغییر و تحولات اساسی در ساختار و موقعیت ژئوپلیتیک کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه می‌باشد.

با توجه به این عوامل و اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در نظام جهانی و بین کشورهای منطقه و تغییر و تحولات زیادی که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در طول

دهه‌های گذشته با آن رو برو بوده است، در این کتاب ، ضمن تشریح و بررسی روند تحولات ژئوپلیتیکی کشور ایران، عوامل مؤثر در این تغییر و تحولات را با توجه به بحران‌های جدیدیک دهه اخیر خاورمیانه بیان می‌کنیم. در این کتاب به این موضوع اشاره می‌گردد که، این حوزه همچنان در کانون توجه بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای می‌باشد.

روش گرد آوری اطلاعات در این پژوهش بصورت کتابخانه ای و فیش برداری خواهد بود و به فراخور نیاز در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. و همچنین ابزار گرد آوری اطلاعات در این پژوهش بر اساس فیش برداری از منابع موجود در بانکهای اطلاعاتی و آرشیوهای کتابخانه ای می‌باشد. در این پژوهش به دلیل تأکید بر مؤلفه‌ها و واقعیت‌های جغرافیایی مولد قدرت در معادلات رئالیستی سیاست بین‌المللی جهت دستیابی به منافع بیشتر در منطقه خاورمیانه و استفاده بهینه در تعاملات بین‌المللی در جهت ایفای نقش امنیت و ثبات سازی برای حفظ، توسعه و تأمین متناسب منافع همه جانبه ج.ا.ا. نوع کتاب تحلیلی - کاربردی است.



## فصل اول:

### مفاهیم

#### تعریف استراتژی

اگر مجموعه ای از آگاهی‌ها و اطلاعات درباره یک یا چند موضوع را (علم) بنامیم و مهارت به کارگیری علم در صحنه عمل نیز (هنر) باشد، استراتژی؛ آگاهی‌های منظمی است که نحوه به خدمت گرفتن قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را برای رسیدن به هدفهای مورد نظر نشان می‌دهد. بنابراین، استراتژی علم است؛ اما همه کسانی که از علم استراتژی آگاهی دارند، قادر نیستند آن را به کارگیرند، فقط کسانی که مهارت کافی در این زمینه دارند، می‌توانند از استراتژی استفاده کنند، پس به یک معنا، استراتژی نوعی هنر است. خلاصه آنکه، استراتژی هم علم و هم هنر است.

واژه استراتژی از کلمه یونانی (استراتگوس) "Strategos" گرفته شده است. "استراتگوس" یا (استراتژ) به معنای لشکر است. "Strategos" به معنای ارتش و "ago" به معنای هدایت است. بنابراین "استراتگوس" به معنی فرماندهی ارتش هم به کار می‌رفت. بطور مثال، ارتش یونان باستان که از گروههای کوچک سربازان متعلق به خاندانهای یونانی تشکیل شده بود، توسط افرادی به نام «استراتگوس» فرماندهی می‌شد. علاوه بر این، معانی زیر نیز برای استراتژی مطرح شده است: فن اداره جنگ، فن فرماندهی، فن جنگ و طرح نقشه برای جنگ.

به لحاظ تاریخی نیز "Strategos" عنوان افسران عالی رتبه ارتش بیزانس بوده که یک منطقه نظامی مترادف بایک سپاه نظامی مدرن تحت فرمان آنها قرار داشته است. معمولاً "Strategos" حاکم منطقه ای نظامی بوده که نیروهایش را در آنجا گرد می‌آورد یا پایگاه نیروهایش را در آنجا قرار می‌داد؛ اما در عمل "strateema" به مفهوم هر اقدام یا مانوری اطلاق شد که هدف آن فریب یا غافلگیری دشمن باشد و در نتیجه استراتژی نیز یک روش، طرح یا "strateema" برای نیل به یک هدف تعریف شد.

انجمن مطالعات عالی نظامی وابسته به پنتاگون یا وزارت دفاع امریکا استراتژی را اینطور تعریف می‌کند:

«استراتژی علم و فن توسعه و کاربرد قدرتهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت به هنگام صلح و جنگ و به-منظور تامین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست است.» (فارسی، ۱۳۶۳: ۳۳)

استراتژی در معنای اصطلاحی جدید به این صورت تعریف می‌شود:

فن و علم توسعه و به کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت، هنگام جنگ و صلح، به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست. هرگاه قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، در جهت دستیابی به اهداف نظامی یک ملت به کار رود، استراتژی نظامی نامیده میشود به همین ترتیب برای هر یک از ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز می‌توان یک تعریف از استراتژی ارائه

داد. استراتژی در معنای قدیمی خود به مفهوم به کارگیری همه امکانات کشور برای دست یافتن به هدفهای نظامی بود، اما به تدریج استراتژی از بعد نظامی محض، فاصله گرفت و در حال حاضر اهداف نظامی، بخشی از اهداف ملی یک کشور را تشکیل میدهد.

## انواع استراتژی سیاسی

انواع استراتژی سیاسی عبارتند از:

### ۱- استراتژی انزواطلبی

استراتژی انزواطلبی، حاکی از عدم پذیرش تعهدات نظامی و اعزام نیروی نظامی به خارج و کاهش روابط دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای دیگر است. کاهش روابط با کشورها به معنای عدم توانایی در برقراری روابط نیست، بلکه یک کشور به میل خود به قطع یا کاهش روابطی می‌پردازد که ممکن است منجر به دخالت و یا سلطه دیگران بر آن کشور گردد، زیرا هدف استراتژی انزوا، حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور است. علاوه بر آن، این استراتژی در صدد است بدون اتکا به دیگران، هرگونه تهدید داخلی و خارجی را دفع نموده و با بهره‌گیری از خودکفایی اقتصادی و اجتماعی، زندگی توأم با رفاه ملی را برای مردم خویش به ارمغان آورد. شرط انتخاب و موقعیت استراتژی انزوا، غنای اقتصادی و اجتماعی، تعدد قدرتهای جهانی و توزیع قدرت، دور بودن موقعیت جغرافیایی کشور و برکناری از صحنه اصلی کشمکش (یا فقدان تهدید مستقیم) است. چنین شرایطی در گذشته فراهم بود، ولی امروزه با ارتقای سطح تکنولوژی، بخصوص گسترش و بهبود ارتباطات و افزایش قدرت پرتاب تسلیحات نظامی که قادر است هر کشور دور دستی را مورد حمله قرار

دهد و نیز، افزایش وابستگی متقابل، ادامه استراتژی انزوا طلبی را غیر ممکن کرده است.

## ۲- استراتژی بیطرفی

بیطرفی برای نخستین بار در جنگ‌های قرن سیزده (ه. ش. / قرن (نوزده میلادی) مورد توجه قرار گرفت. دولت بیطرف، از هرگونه اقدامی که منجر به شروع جنگ و ادامه آن شود، خودداری می‌کرد. این اقدامات شامل آموزش و نام نویسی داوطلبان جنگ، تجهیز و تدارک نیروی نظامی، اجازه عبور و مرور به سربازان متخاصم و مانند آن می‌شد. در ازای قبول و انجام این الزامات، کشورهای قدرتمند، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بیطرف را تضمین می‌کردند. پذیرش بیطرفی از سوی قدرتهای بزرگ علاوه بر مزایای فوق، حاوی مزایای سیاسی و دیپلماتیکی چون نقل و انتقال اسرا و زندانیان و حل و فصل اختلافات نیز می‌باشد.

اعلام بیطرفی یک جانبه هیچگاه به اندازه بیطرفی دولتی که مورد قبول دولتهای قدرتمند قرار گرفته باشد، پایدار نیست استراتژی بیطرفی همانند استراتژی انزواطلبی موجب تداوم وضع موجود و برقراری توازن قدرت بین کشورهای قدرتمند می‌گردد؛ بر خلاف مفهوم واقعی بیطرفی، شوروی (سابق) کشوری را بیطرف می‌دانست که در درگیری شوروی (سابق)، با آمریکا، موضع ضد آمریکایی داشته باشد. آمریکا هم با بیطرفی مخالف بود، زیرا قبول بیطرفی کشوری از سوی آمریکا، متضمن خروج آن کشور از حوزه نفوذ آمریکا بود. بیطرفی موقت (بیطرفی دریک جنگ) و بیطرفی پایدار (بیطرفی برای مدت طولانی)، بیطرفی مثبت (عدم شرکت

در جنگ و تلاش برای خاتمه دادن به جنگ) و بیطرفی منفی (نجات دادن خود از معرکه جنگ) از انواع بیطرفی محسوب می‌شوند.

### ۳- استراتژی عدم تعهد

دلایلی چون تجربه تلخی که کشورهای مستعمره از سالها وابستگی به دولتهای استعمارگر داشتند و نیز، به دلیل صدماتی که از جنگ جهانی دوم دیده بودند و همچنین خساراتی که ادامه جنگ سرد (بین دو ابرقدرت) برای آنان داشت، باعث شکل گیری جنبشهای استقلال طلبانه و ایجاد جنبش عدم تعهدیا (عدم وابستگی) گردید. شالوده عدم تعهد به ابتکار و پیشقدمی "مارشال یوسیپ بروزتیتو" (رهبر یوگسلاوی سابق)، "جواهر لعل نهرو" (نخست وزیر هند)، "جمال عبدالناصر" (رئیس جمهور مصر) و "احمد سوکارنو" (رئیس جمهور اندونزی) در سال ۱۳۲۶ ه. ش. / ۱۹۴۷ م، با برگزاری کنفرانس کشورهای آسیایی در دهلی نو ریخته شد و سرانجام در اجلاس گسترده کشورهای آسیایی و آفریقایی در «باندونگ اندونزی» در سال ۱۳۳۴ ه. ش. / ۱۹۵۵ م، تکمیل و در کنفرانس ۱۳۴۰ ه. ش. / ۱۹۶۱ م، بلگراد رسمیت یافت.

عدم تعهد بر اصولی چون احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها، عدم تجاوز، عدم دخالت دولتها در امور داخلی یکدیگر، مساوات کشورها، همزیستی مسالمت آمیز، بیطرفی مثبت، مخالفت با تبعیض نژادی، مبارزه با توسعه نیافتگی، استعمار و سرمایه داری، پرهیز از واگذاری پایگاه نظامی و مانند آن استوار است. نقطه ثقل استراتژی عدم تعهد بر عدم وابستگی نظامی و نه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی

قرار دارد، به همین دلیل و نیز به علت فقدان ایدئولوژی مشترک بین اعضا، این استراتژی چندان قرین موفقیت نبوده است.

#### ۴- استراتژی اتحاد و ائتلاف

هرگاه دویا چند کشور معتقد شوند که فقط در صورت برقراری اتحاد و ائتلاف متقابل، قادر به حفظ و یا دستیابی به اهداف و منافع ملی هستند، مبادرت به تاسیس (اتحاد) می‌کنند. بنابر این، اشتراک در اهداف و منافع ملی، ایدئولوژی و تصور خطر مشترک موجب ایجاد و تداوم اتحادهاست. بر این اساس، اتحادها فقط جنبه نظامی ندارند (مانند بازار مشترک اروپا و اکو). در واقع افزایش نفوذ همه جانبه و یا جنگ، تنها هدف اتحادها نیست، بلکه اتحادها بیشتر جنبه بازدارندگی دارند. حتی پیمانهایی که از جنبه تهاجمی برخوردارند تهاجمی بودن خود را به وضوح در قراردادهای منعقد شده ذکر نمی‌کنند. اتحادها را به طرق مختلف تقسیم می‌کنند، بطور عمده، شرط تحقق پیمان (مانند تجاوز به یکی از اعضا)، نوع و میزان تعهدات اعضا (همیشه تعهدات اعضا برابر نیست)، درجه همکاری اعضا (همکاری اعضای پیمان بر خلاف گذشته تا زمانی که پیمان وجود دارد، دایمی است) و گستردگی حوزه جغرافیایی، معیاری برای تقسیم بندی اتحادهاست. عملی شدن یا نشدن هدفهای همه اعضا و یابیکی از آنها، اختلاف میان متعاهدین، روی کارآمدن نخبگان سیاسی جدید در یکی از کشورهای عضو، وقوع جنگ بین طرفین معاهده، تغییر اساسی در اوضاع و احوال بین المللی، انقضای زمانی اتحاد، عدم هماهنگی در ارزشها

و ایدئولوژی بین اعضا و نظایر آن از عوامل شکاف و فروپاشی اتحادها به شمار می‌روند.

### سیر تکوینی اندیشه استراتژی

در طی زمان، مفهوم استراتژی، تحول یافته و در هر برهه با شرایط و موقعیت نظام بین‌المللی هماهنگ و سازگار گشته است. به صورتی که تا به امروز در سه زمینه دچار تحول اساسی گشته است:

۱- عرصه اقدام استراتژی از صرف استفاده محدود از قدرت نظامی در تامین هدف‌های محدود در گذشته، به کاربرد تمامی قدرتهای بنیادین بالقوه و بالفعل کشور در تعقیب پیروزی‌های همه جانبه، تسری یافته است که در این تعبیر مفهوم استراتژی کلیتی فراگیر یافته و شامل فعالیت‌های نظامی و غیرنظامی زمان صلح شده است.

۲- خروج عوامل استراتژی از چارچوب‌های درون مرزی (ملی) و کسب ماهیت برون مرزی.

۳- در آینده عامل زمان نیز نقش بسیار موثر نسبت به گذشته از لحاظ مدت طرح و تعیین استراتژی ایفا خواهد کرد. ( ثقفی عامری، ۱۳۷۳: ۲۱)